

تحول روستایی در ایران (گذشته، حال و آینده)

حسین صادقی

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

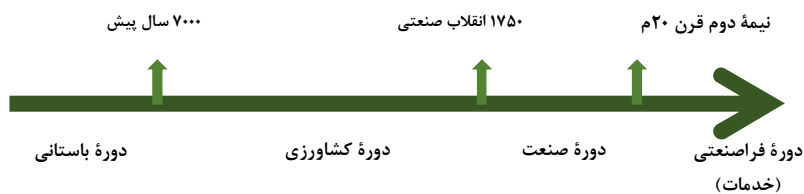
فرایند شکل‌گیری روستاها و اسکان جمعیت در ایران بر اساس منابع آبی بوده است. تا قبل از صنعتی شدن ایران (۱۳۴۱)، به طور تاریخی یک تعادل بین اکوسیستم و جمعیت وجود داشته است، اما پس از آن این تعادل از بین رفته و رشد، تراکم، مهاجرت و اسکان جمعیت تغییر کرده و موجب ناپایداری در اکوسیستم شده است. دو عامل اساسی از بین رفتن تعادل، انفجار جمعیت و استفاده‌ی نادرست از تکنولوژی بوده است. در این میان، روستاها به دلیل محوریت تولیدات کشاورزی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. پراکندگی شدید روستاها و تولیدات دهقانی مهم‌ترین مسائلی هستند که در راه توسعه‌ی روستایی بایستی به حل و فصل آن پرداخت. استفاده از الگوهای منظومه‌ای اسکان جمعیت روستایی و به‌کارگیری کشاورزی مکانیزه در کنار بازتعریف اشتغال و فعالیت‌های روستایی، الزاماتی هستند که در الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت برای توسعه‌ی روستایی باید به آن‌ها توجه شایانی شود.

مقدمه

به لحاظ تاریخی، تحول اقتصادی در سه مرحله رخ داده است.
الف. دوره‌ی کشاورزی: به لحاظ تاریخی، حدود ۷۰۰۰ سال پیش با شروع کشاورزی اقتصاد هم شروع شد و تا ۲۵۰ سال پیش که انقلاب صنعتی رخ داد، این دوره ادامه یافت. در این دوره نود درصد اقتصاد مربوط به بخش کشاورزی می‌شد.
ب. دوره‌ی صنعت: از ۲۵۰ سال پیش که انقلاب صنعتی در انگلستان رخ داد و به تدریج کشورهای دیگر هم به آن پیوستند، تا نیمه‌ی دوم قرن بیستم، دوره‌ی صنعت نامیده می‌شود. در این دوره به دلیل بروز تحولاتی در کشاورزی و به تبع آن نیاز کمتر به نیروی کار، نیروی انسانی مازاد جهت کار کردن در صنایع و کارخانه‌ها که در شهرها شکل گرفته بودند، هجوم

بردند و در واقع مهاجرتی از بخش کشاورزی که عمدتاً در مناطق روستایی است، به بخش صنعت که در مناطق شهری است، صورت گرفت. در این دوران سهم هریک از این بخش‌ها در اقتصاد جوامع در بخش کشاورزی ۳۵ درصد، در بخش صنعت ۵۰ درصد و در بخش خدمات که به تدریج فعالیت خود را شروع کرده بود، ۱۵ درصد است.

ج. دوره‌ی فراصنعتی یا خدمات: در این دوران تغییرات اساسی در ساختارها صورت گرفت. به شکلی که هم‌اکنون سهم بخش کشاورزی از اقتصاد جهانی به طور متوسط کمتر از ۵ درصد، سهم بخش صنعت حدود ۲۵ درصد و در نهایت ۷۰ درصد از سهم اقتصادهای پیشرفته‌ی جهان در بخش خدمات متمرکز است.



عصر خدمات III	عصر صنعت II	عصر کشاورزی I	مراحل توسعه بخش
۵٪	۳۵٪	۹۰٪	کشاورزی
۲۵٪	۵۰٪	۵٪	صنعت
۷۰٪	۱۵٪	۵٪	خدمات

بحث و بررسی

به لحاظ تاریخی، شکل‌گیری تمدن در ایران برخلاف نظریه‌های هیدرولوژی (تمدن‌ها روی رودخانه‌های پرآب شکل می‌گیرند) است. در واقع شکل‌گیری تمدن در ایران بر اساس اتحاد آبادی‌هاست. ویژگی‌های خاص اکوسیستم ایران موجب شکل‌گیری آبادی‌های پراکنده شده است. کشور ایران در یک نوار بیابانی واقع شده است، ولی دو ویژگی جغرافیایی ایران را از نوار بیابانی متمایز کرده است. اول اینکه بخش اعظمی از کشور ایران فلات است. وجود فلات و

افزایش ارتفاع باعث کاهش دما در ایران شده است. وجه تمایز دیگر، کوهستان‌های مرتفع در ایران است. در حدود نیمی از مساحت ایران کوهستانی بوده و قله مرتفع و برف‌گیر در این کوهستان‌ها (عمدتاً البرز مرکزی و زاگرس مرکزی) که محصولش یخچال‌های طبیعی است، اساس چرخه‌ی آب در ایران بوده و این چرخه‌ی آب پدیدآورنده‌ی آبادی‌های پراکنده بوده است.

در گذشته دو شیوه‌ی زیست ساکن (زیست روستایی) و متحرک (زیست عشایری) وجود داشته است. به طور تاریخی، در دوره‌ی کشاورزی عامل اصلی اسکان جمعیت (تشکیل روستاها) در ایران منابع آبی بوده است. به این صورت که میزان آب مقدار تولیدات کشاورزی را تعیین می‌کند و مقدار تولیدات کشاورزی حجم غذا و حجم غذا ظرفیت اسکان جمعیت در یک نقطه را مشخص می‌سازد. منابع آبی برای کشاورزی در شیوه‌ی زیست ساکن، به دو صورت منابع سطحی و منابع زیرزمینی وجود داشته که برداشت از منابع سطحی به صورت حق‌آبه و برداشت از منابع زیرسطحی با استفاده از قنات (عمدتاً حاشیه‌ی جنوبی البرز و حاشیه‌ی شرقی زاگرس) انجام می‌شده است. در زیست متحرک نیز با تعادل بین دام و مرتع، پایداری در مراتع وجود داشته است. در این شیوه‌ی زیست، ظرفیت مراتع تعیین‌کننده‌ی تعداد دام است و تعداد دام ظرفیت جمعیت عشایری را مشخص می‌کند. در شیوه‌ی زیست متحرک، کشاورزی نیز به صورت کشاورزی سبز انجام می‌شده است.

دوران کشاورزی در ایران از حدود ۷۰۰۰ سال پیش تا سال ۱۳۴۱ ادامه داشت و در این دوره جمعیت در حدود نیمی روستایی و نیمی عشایر بوده و جمعیت شهرها بسیار ناچیز بوده است. در این سال با اصلاحات ارضی اقتصاد ایران وارد دوره‌ی صنعتی شد. البته پیش از آن در دوره‌ی امیرکبیر تلاش‌هایی برای صنعتی شدن ایران صورت گرفته بود که این تلاش‌ها ناکام ماند. پیش از اصلاحات ارضی و در دوره‌ی رضاشاه، با محدود کردن قدرت عشایر توسط دولت مرکزی، شاهد ساکن شدن بخش اعظمی از عشایر در روستاها بوده‌ایم. اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ تحول بسیار مهمی را در بخش روستایی ایجاد کرد که به دنبال این تحولات، مهاجرت اولیه (از روستا به شهر) شکل گرفت.

تا حدود ۱۰۰ سال پیش، تعادل بین روستاها و اکوسیستم برقرار بوده است. اما دو عامل تاکنون این تعادل را بر هم زده و موجب ناپایداری اکوسیستم شده است. عامل اول انفجار جمعیت در دهه‌های ۳۰ و ۶۰ بوده است. در واقع انفجار جمعیت خود ناشی از افزایش طبیعی جمعیت بوده که عمده‌تاً بعد از جنگ جهانی دوم شدت یافت و تا پیروزی انقلاب جمهوری



اسلامی ادامه داشت و همچنین ناشی از توجه نکردن به سیاست‌گذاری‌های جمعیتی بعد از انقلاب است که فشار بسیار زیادی را بر اکوسیستم وارد می‌کند.

همچنین رشد فناوری و پیشرفت تکنولوژیکی و استفاده‌ی نادرست از آن، عامل دیگری در تخریب محیط‌زیست بوده است. برای مثال، در گذشته بر پایه‌ی چرخه‌ی آب، منابع زیرزمینی بر پایه‌ی قنات و منابع سطحی بر اساس حق‌آبه اداره می‌شدند که هیچ‌یک فشاری بر اکوسیستم وارد نمی‌کرد و نوعی تعادل تاریخی بین اکوسیستم و جمعیت وجود داشت. به عبارت دیگر، به لحاظ تاریخی ناپایداری آن‌چنانی مشاهده نمی‌شود، ولی هر چه پیش‌تر می‌آییم، پدیده‌ی انفجار جمعیت به همراه استفاده‌ی نادرست از تکنولوژی (به جای اینکه تکنولوژی در اختیار قنات قرار بگیرد و بتواند آن را توسعه دهد و مرکزیت قنات از بین نرود و پایداری تداوم یابد)، چاه‌های عمیق و نیمه‌عمیق در برداشت از آب‌های زیرسطحی و تمرکز روی سدها در برداشت از آب‌های سطحی و فشار بر این منابع آبی، به‌شدت به ناپایداری اکوسیستم منجر شده است.

از لحاظ سیاست‌های مکان‌گزینی نیز باید گفت که پیش از این عمدتاً منابع پایه و طبیعی و کمیابی آب در آن تعیین‌کننده بوده و نوعی تعادل طبیعی را تضمین می‌کرد. در واقع جمعیت در جایی ساکن می‌شد که آب وجود داشت، ولی در حال حاضر این تعادل بین اکوسیستم و جمعیت به هم خورده است و با حفر چاه آب در هر نقطه‌ای سکونت شکل می‌گیرد. انفعال در سیاست‌های اسکان جمعیت موجب نابسامانی و بی‌برنامگی در مهاجرت و اسکان غیرانتخابی جمعیت شده است.

نتیجه‌گیری

بر مبنای تحولاتی که در گذشته رخ داده است و مشکلات و مسائلی که در حال حاضر وجود دارد، برای توسعه‌ی روستایی در آینده ملاحظات مهمی باید در نظر گرفته شود. شکل‌گیری تعداد زیاد روستاهای پراکنده با جمعیت کم (کمتر از ده خانوار) خود آسیبی برای اکوسیستم تلقی می‌شوند. این روستاها از لحاظ اقتصادی قابل توجیه نیستند؛ زیرا هزینه‌های ملی بالایی دارند، ولی درآمد و تولید خاصی ندارند. همچنین این روستاها در مناطقی موجب آسیب‌رسانی جدی به اکوسیستم شده‌اند. به عبارت دیگر، هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی این روستاها از تولیداتشان بیشتر است. بنابراین سازمان فضایی و نقاط اسکان این روستاها باید بازتعریف شوند. استفاده از الگوهای منظومه‌ای یا به عبارت دیگر پیوند این روستاها به روستاهای بزرگ‌تر،

می‌تواند راه‌حل مناسبی برای کاهش هزینه‌های ملی و همچنین افزایش قابل توجه تولیدات روستاهای پراکنده و کاهش آسیب به اکوسیستم شود.

نکته‌ی دیگر در خصوص روستاهای کوچک و پراکنده، تعریف فعالیت‌هایشان است. به این مفهوم که اگر روستایی با جمعیت کم در نقطه‌ای ساکن است، باید فعالیت آن با هدف و توجیه اقتصادی باشد. کاشت گیاهان دارویی، بیابان‌زدایی، حفاظت از منابع طبیعی، محیط‌بانی و... از جمله اهداف اسکان این روستاها می‌تواند باشد.

نکته‌ی مهم دیگر در خصوص توسعه‌ی روستایی در آینده، استفاده از کشاورزی صنعتی به جای کشاورزی دهقانی است. تراکم بیش از حدی از نیروی کار در کشاورزی وجود دارد که به دامن زدن و گسترش کشاورزی دهقانی منجر می‌شود که خود مانع بزرگی بر سر راه کشاورزی صنعتی است. کشاورزی دهقانی با وجود مصرف بالای منابع، به‌ویژه آب، تولیدات کمتری عرضه می‌کند؛ در صورتی که با صنعتی شدن و بزرگ مقیاس شدن کشاورزی، ضمن کاهش هزینه‌ها تولیدات کشاورزی افزایش چشم‌گیری خواهد داشت.

از آنجایی که مکانیزه شدن تولیدات کشاورزی با کاهش نیروی کار در این بخش همراه است، لازم است از حالت تک‌محوری کشاورزی در اشتغال روستایی به اشتغال متنوع در زمینه‌های مختلف توجه شود. در نتیجه باید ابتدا سیاست توزیع جمعیت را از حالت منفعل خارج کرد تا یک سیاست فعال شکل بگیرد، و تجدید سازمان روستاها به گونه‌ای باشد که تولید کشاورزی به صورت صنعتی امکان‌پذیر شود. همچنین باید به اشتغال‌زایی روستایی در دیگر زمینه‌ها توجه ویژه‌ای شود.